

ماجرای تمارض شبث بن ربیع برای نجات با امام حسین(ع)

۲۷ مهر ۱۳۹۴ ساعت ۱۷:۲۶

ابن زیاد پیکری به دنبال شبث بن ربیع فرستاد تا به جنگ با امام حسین (ع) با لشکرش بپیوندد اما شبث خود را به بیماری زد و نرفت، به این وسیله می خواست ابن زیاد او را از جنگ با حسین (ع) معاف کند.

پنجمین روز ماه محرم الحرام هق ابن زیاد پیکری به دنبال شبث بن ربیع فرستاد با این پیام که به سوی ما بیا، ما می خواهیم تو را به جنگ با حسین (ع) بفرستیم. شبث خود را به بیماری زد و نرفت و به این وسیله می خواست ابن زیاد او را از جنگ با حسین (ع) معاف کند.

ابن زیاد دوباره نامه‌ای به او فرستاد به این مضمون:

اما بعد، فرستاده من، مرا از تمارض تو آگاه ساخت. می ترسم تو از آنانی باشی که **وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَى شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِؤُونَ**؛ هنگامی که به مؤمنان می‌رسند می‌گویند ما ایمان آوردیم و هنگامی که با شیاطین خلوت می‌کنند می‌گویند ما با شما هستیم و آنها را مسخره کردیم. اگر در اطاعت و فرمانبرداری ما هستی بسرعت پیش ما بیا.

شبث شب هنگام بعد از عشاء به سوی ابن زیاد رفت تا آثار بیماری در چهره‌اش تشخیص داده نشود. هنگامی که در مجلس ابن زیاد وارد شد، ابن زیاد ورودش را تهنیت گفت و او را نزد خود نشانده، سپس به او گفت دوست دارم فردا با هزار سوار به عمر سعد ملحق شوی. شبث گفت می‌روم.

*رسیدن حصین بن نمیر به کربلا

حسین بن نمیر با چهار هزار سوار، روز پنجم محرم به کربلا رسید و به عمر سعد پیوست.

ظاهراً این حصین بن نمیر همان است که بلاذری از آن به حصین بن تمیم یاد کرده است، ابن زیاد او را از قادسیه فرا خواند و به کربلا فرستاد. به اعتقاد بلاذری او یک یا دو روز پس از رسیدن عمر سعد به کربلا به او ملحق شده، یعنی روز چهارم یا پنجم محرم.

*پیوستن عامر بن ابی سلامه از کوفه به کاروان امام(ع)

ابن زیاد، زحر بن قیس جعفی را با ۵۰۰ سوار بر پل صراط مستقر کرده بود تا از پیوستن کوفیان به حسین بن علی (ع) جلوگیری کند. عامر بن ابی سلامه، که عازم کربلا بود، قصد عبور از پل را داشت.

زحر به او گفت می دانم چه قصدی داری، بازگرد! عامر به او و یارانش حمله کرد و آنها را متفرق ساخت به طوریکه کسی نتوانست به او نزدیک شود. عامر خود را به کربلا رساند و تا روز عاشورا در کنار امام بود و به شهادت رسید.

نویسنده کتاب قصه کربلا پیوستن عامر به امام در روز پنجم محرم دانسته است.

بلاذری ماجرای عامر یا عمار بن ابی سلامه را به گونه دیگری نقل می کند. او نوشته است عمار بن ابی سلامه قصد داشت عیدالله بن زیاد را در اردوگاه نخيله ترور کند، اما موفق نشد، خود را به امام رساند و در روز عاشورا به شهادت رسید.

*پیوستن عبدالله بن عمیر کلبی به کاروان امام

عبدالله بن عمیر در محله همدان کوفه نزدیک چاه جعهده خانه داشت. هنگامی که سپاه ابن زیاد در نخيله اردو زده بود، او آنها را در نخيله دید. در مورد آنها پرس و جو کرد، گفتند به مقابله حسین به علی می روند.

عبدالله گفت من تاکنون به جنگ با مشرکان حریص بودم اما الان امیدوارم ثواب جنگیدن با اینها که به مقابله با پسر دختر پیامبرشان می روند از ثواب جنگ با مشرکان بیشتر باشد، سپس به منزل رفت و آنچه شنیده بود و قصد خود را از پیوستن به امام (ع) به همسرش گفت.

همسرش، ام وهب به او گفت کار خوبی می کنی، خدا تو را به بهترین راه هدایت برساند، همین کار را انجام بده و مرا نیز با خود ببر، عبدالله و همسرش شبانه کوفه را ترک کردند و به امام پیوستند.

*منابع:

وقایع الایام

مقتل خوارزمی

وسيلة الدارين

مقتل مكرم

قصة كربلا

تاريخ طبري

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/31892/ماجرا-شبه-تمارض-ماجرا/31892>